

شیوع پدیده «خون بازی» در دانش‌آموزان/ کسی «خون بازی» را جدی نگرفت



پدیده «خون بازی» بعد از گذشت چندسال از شناسایی آن میان دانش‌آموزان، به فراموشی سپرده شده بود تا این که یک فعال اجتماعی بار دیگر از شیوع بالای این پدیده خبر داد.

خبرگزاری مهر، گروه جامعه- فائزه مومنی: چند سال پیش، پدیده «خون بازی» به وسیله بعضی از کارشناسان آموزشی میان دانش‌آموزان شناسایی شد. آن‌ها از آموزش و پرورش خواستند تا این موضوع بحرانی نشده و میان دانش‌آموزان شیوع پیدا نکرده است با آن مقابله کند. «خون بازی»، پدیده‌ای است که طی آن دانش‌آموزان دست‌های خود را با وسیله‌ای تیز خراش و در معرض عموم قرار می‌دهند.

چندسال گذشت و این موضوع فراموش شد، تا اینکه هفته گذشته فاطمه دانشور، فعال اجتماعی، با انتشار عکس دستان دختری که به شدت بریده شده بود، در صفحه اینستاگرام خود از شیوع پدیده «خون بازی» خبر داد و گفت: «دانش‌آموزان به سرعت در این پدیده از هم الگوبرداری می‌کنند و آموزش و پرورش راهکاری برای مقابله با آن ندارد.» او از وزیر خواست که «تا دیر نشده راهکاری برای مواجهه با این پدیده بیابد.»

آستین‌های خود را پایین بکشید که زخم‌هایتان معلوم نباشد!

فاطمه دانشور درباره پدیده «خون بازی» به خبرنگار مهر می‌گوید: مدتی است گزارشاتی مبنی بر شیوع این پدیده در بین دانش‌آموزان به ما می‌رسد که طی آن بچه‌ها برای لذت و خودنمایی، بدن خود و به‌ویژه دست‌هایشان را زخمی می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: عکسی که در صفحه اینستاگرام من منتشر شد متعلق به دختری ۱۵ ساله است که دست‌های خود را به طرز وحشتناکی خراش می‌دهد و از این کار لذت می‌برد.

به گفته این فعال اجتماعی دانش‌آموزان با الگوبرداری از هم این کار را انجام می‌دهند و به شدت هم بین آن‌ها گسترش پیدا کرده است. این دختر ۱۵ ساله با مشاوران زیادی صحبت کرده و هیچ تأثیری بر روی او نداشته است و این یعنی اینکه باید از این اتفاق پیشگیری می‌شد و حالا هم حل آن بسیار مشکل است.

دانشور به راهکار آموزش و پرورش برای جلوگیری از گسترش آن اشاره می‌کند و اضافه می‌کند: از آنجایی که کاری از دست مدیران مدارس ساخته نیست آن‌ها به دانش‌آموزان می‌گویند: «آستین‌های خود را پایین بکشید که زخم‌هایتان معلوم نباشد.»!

مدیرعامل موسسه نیکوکاری مهرآفرین در پاسخ به این سوال که تعداد پسران درگیر در این پدیده بیشتر است یا دختران، اضافه می‌کند: این پدیده در دختران بیشتر است و شاید به دلیل فرهنگی که در کشور ما وجود دارد آن‌ها برخلاف پسرها که می‌توانند انرژی و غم‌شان را در خیابان تخلیه کنند، آن را در خود می‌ریزند و از خودشان انتقام می‌گیرند.

لزوم حضور مددکار در مدارس کشور

او معتقد است: با توجه به حساسیت مقامات بالای کشور بر روی آسیب‌های اجتماعی، آموزش و پرورش باید تمهیدات لازم را برای پیشگیری و مقابله با آن در نظر بگیرد و همزمان در راس وزارتخانه هم ستادی برای این اقدام ایجاد کند.

دانشور پیشنهاد داد: در این ستاد نیز از نماینده‌های سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل نزدیکی با این پدیده‌ها دعوت کنند تا بعد از تبیین آسیب‌ها راهکار مناسبی برای آن در نظر گرفته شود.

او به شیوع خودکشی در میان دانش‌آموزان نیز اشاره کرده و می‌گوید: در خانواده‌های آسیب‌دیده که خودزنی داشته‌اند، خودکشی‌های نافرجام زیادی هم اتفاق افتاده است.

این فعال اجتماعی معتقد است که باید در هر مدرسه یک مددکار اجتماعی وجود داشته باشد، حتی اگر در همه مدارس هم امکانش نیست، در مدارس حاشیه شهرها مستقر شوند تا نوع آسیب را شناسایی و برای مقابله یا پیشگیری از آن راه‌حلی بیابند.

رها شدن آموزش و پرورش در دوران انتخابات

دانشور در پاسخ به این سوال که آیا به نظر شما آموزش و پرورش برای مقابله یا پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اقدامی انجام داده است یا نه، می‌گوید: آموزش و پرورش دچار حاشیه‌های زیادی شد. آقای فانی چندماه مانده به پایان دولت یازدهم برکنار شد و فضا به سمت انتخابات رفت.

وی ادامه می‌دهد: وقتی فضا به سمت انتخابات می‌رود مدتی امور رها می‌شود تا افراد جدید بیایند. تغییر افراد هم خود باعث عقب افتادن رسیدگی به امور می‌شود.

این فعال اجتماعی با اشاره به روی کار آمدن بطحایی نیز می‌گوید: وزیر جدید باید با پرهیز از انکار، به این معضله‌ها توجه داشته باشد و در عین حال راه را برای حضور نماینده‌های سازمان‌های مردم نهاد به فعالیت‌های مربوط به آن باز کند.

حاشیه‌های سازمان‌های مردم نهاد

دانشور با اشاره به اینکه تعداد سازمان‌های مردم نهادی که با آسیب‌های اجتماعی مقابله می‌کنند، بسیار کم است، اضافه می‌کند: در عین حال این سازمان‌ها همیشه به دلیل طرح بعضی از مسائل با دستگاه قضا درگیر هستند.

او ادامه می‌دهد: مددکاران اجتماعی ما از نزدیک در جریان آسیب‌ها قرار می‌گیرند و زمانی که زیاد می‌شود، ما هشدار می‌دهیم اما برخی سازمانهای مربوطه با ما برخورد می‌کنند که چرا این مسائل را عنوان می‌کنید! چرا به خودمان نگفتید.

این فعال اجتماعی می‌گوید: در پاسخ آن‌ها باید گفت زمانی که سازمان‌های مردم نهاد هیچ جایگاهی در عرصه تصمیم‌گیری کشور ندارند و حتی یک صندلی در شورای عالی اجتماعی به آن‌ها داده نمی‌شود ما از طریق رسانه‌ها آن را به گوش مردم می‌رسانیم. شایسته نیست که بعد از هر هشدار ما را برای این اقدامات تهدید کنند یا در معرض فشار بگذارند.

دانش‌آموزانی که از « خون بازی » لذت می‌برند!

یزدانپور، مددکار دختر ۱۵ ساله‌ای است که از آسیب زدن به بدن خود لذت می‌برد. او بیش‌تر از هر مشاور مدرسه‌ای در جریان اتفاقات زندگی این دختر قرار گرفته است.

او در شرح وضعیت این دانش‌آموز به خبرنگار مهر می‌گوید: «چند روزی است که با دختر ۱۵ ساله‌ای آشنا شدم که در خانواده‌ای معتاد زندگی می‌کند. پدر خانواده و سه تن از برادران او معتاد هستند، مادر و دختر هم تفنی مواد مخدر استفاده می‌کنند.»

این مددکار اجتماعی ادامه می‌دهد: «وقتی با آن دختر مواجه شدم دیدم تمام دستش را به طرز وحشتناکی خراشیده بود. سریعاً او را به یک بیمارستان منتقل کردم تا جلوی خون‌ریزی دستش گرفته شود. بعد از درمان متوجه شدم که تمام بدن او به همین صورت، زخمی شده است.»

یزدانپور اضافه می‌کند: «سعی کردم با ارتباط با او در جریان علت این اتفاق قرار بگیرم. به من گفت که سابقه خودکشی دارد به طوری که مدتی هم در کما بوده است. زندگی‌اش را دوست ندارد. دو برادر وی معتاد هستند، یک برادر دیگر هم به خاطر حمل مواد مخدر در زندان است و مادر هم با کار خدماتی خرج خانه را می‌دهد.»

او در ادامه صحبت‌هایش با خبرنگار مهر می‌گوید: «او به من گفت مادرم تفنی مواد مصرف می‌کند و من هم به دلیل استفاده پدرم و اینکه می‌خواهم بدانم چه حالی دارد گاه‌گاهی مواد می‌کشم.»

به گفته یزدانپور، این دختر دانش‌آموز کلاس دهم است و می‌خواهد به دلیل نمرات پایین رشته فنی را برای خود انتخاب کند و علاقه‌ای به رشته‌های تجربی و انسانی ندارد.

او از دختر سوال پرسیده که وقتی بدنت را می‌بری درد نمی‌آید؟ دخترک گفته بود: نه! وقتی خون خارج می‌شود من لذت می‌برم. من آمیدی به زندگی ندارم و دوست دارم که بمیرم.»

یزدانپور در توضیح شیوع این آسیب در بین دانش‌آموزان نیز می‌گوید: «از دخترک پرسیدم که آیا دوستان دیگر تو هم در مدرسه اینکار را انجام می‌دهند؟ تایید کرد و گفت چون لذت بخش است.»

«خون بازی»؛ راهکاری برای جلب توجه

این مددکار اجتماعی به فقر، مشکلات خانوادگی و عاطفی دانش‌آموزانی که این کار را انجام می‌دهند، اشاره می‌کند و اضافه می‌کند: بیش‌تر این دانش‌آموزان در حاشیه شهر زندگی می‌کنند و در حاشیه شهر هم به مدرسه می‌روند. کمبود عاطفی، فقر و مشکلات خانوادگی به شیوع این پدیده دامن می‌زند.

به گفته او دانش‌آموزان به دلیل کمبود عاطفی می‌خواهند با این کار جلب توجه کنند و به اطرافیان‌شان بفهمانند که «هستند». اکثراً آن‌ها در خانواده‌هایی هستند که به نحوی یک آسیب اجتماعی در میان آن‌ها وجود دارد. می‌تواند یکی از این آسیب‌ها هم طلاق باشد.

وی می‌گوید: بسیاری از این کودکان آسیب‌دیده بعد از مدتی به خاطر تقلید از دوستان‌شان این کار را انجام می‌دهند و بعد دیگر هیچ احساسی به درد ندارند و برای آن‌ها لذت بخش است.

مشاورانی برای حقوق، مددکارانی برای دانش‌آموز

یزدانپور با اشاره به اینکه آموزش و پرورش مشاوران تخصصی ندارد، اضافه می‌کند: این اتفاق به سرعت در مدارس ما شیوع پیدا کرده است و آموزش و پرورش به دلیل فضای بسته‌ای که دارد از سایر مشاوران و مددکاران کمک نمی‌گیرد.

این دانشجوی دکتری مددکاری با بیان اینکه باید بررسی دقیقی بر روی آسیب‌ها انجام شود، بیان می‌کند: هر آسیب اجتماعی که به وجود می‌آید باید مورد مطالعه قرار بگیرد و برای آن راهکارهایی جمع‌آوری شود اما این کار در مدارس ما اتفاق نمی‌افتد. مشاوران مدارس در برخی موارد فقط یک عنوان اداری و یا پست سازمانی هستند.

او ادامه می‌دهد: در اغلب موارد آن‌ها ارتباطی با خانواده‌ها نمی‌گیرند و فقط به یک دفعه صحبت با دانش‌آموزان اکتفا می‌کنند. مشاوران مدرسه مشاوره فردی می‌دهند اما مددکاران به صورت سیستمی با آسیب برخورد می‌کنند در عین حال مدیران مدارس هم علاقه‌ای ندارند که مدرسه خود را بدنام کنند که مثلاً فلان دانش‌آموز از مدرسه آن‌ها است.

۲ تا ۷ درصد دانش‌آموزان قلیان و سیگار مصرف می‌کنند

این مددکار اجتماعی با بیان اینکه ۲ تا ۷ درصد کودکان قلیان و سیگار استفاده می‌کنند، ادامه می‌دهد: با توجه به پایین آمدن سن اعتیاد قابل پیش‌بینی بود که اعتیاد به مدارس و دانش‌آموزان هم می‌رسد اما به نظر می‌رسد هیچ اقدامی برای مقابله با آن انجام نشد و برنامه‌ریزی نکردند.

وی با اشاره به اینکه قطعاً این آمار افزایش پیدا می‌کند، اضافه می‌کند: آموزش و پرورش میرا از آسیب نیست. وقتی دانش‌آموزی در خانواده‌ای معتاد بزرگ می‌شود و به مدرسه می‌آید این آسیب به مدرسه هم منتقل می‌شود.

او هم پیشنهاد می‌دهد که در مدارس باید مددکار وجود داشته باشد.

اگر بخواهید عملکرد آموزش و پرورش را در رابطه با آسیب‌های اجتماعی بررسی کنید، بهترین گزینه مددکارانی هستند که به طور مستقیم با دانش‌آموزان در ارتباطند. آن‌ها فارغ از پست سازمانی و با هدف

کمک به دانش‌آموزان، در گستره‌ای فراتر از نیازهای فردی به بررسی منشا آسیب می‌پردازند و به‌طور ریشه‌ای و با گذشتن مدت زمان زیادی برای دانش‌آموزان، با آن‌ها مقابله می‌کنند.

قطعا خوانندگان این گزارش به نوع فعالیت مددکاران اجتماعی آشنا هستند اما قصد ما از معرفی مجدد، مقایسه آن‌ها با مشاوران مدارس است که در این زمینه فعالیت تقریباً مفیدی ندارند و صرفاً حقوق‌بگیران یک وزارتخانه و مشاوران اسمی آن هستند.

اینکه از نظر نویسندگان مددکاران بیش از معلمان می‌توانند تاثیرگذار باشند، این است که معلمان از اقرار به وجود مشکل پرهیز می‌کنند. شاید هم علت آن رفتار قهری ای بوده که تاکنون آموزش و پرورش با منتقدانش داشته است. در صورتی که انتقادی از سوی رسانه یا معلمی شود این وزارتخانه به جای قبول کاستی‌ها و تلاش برای رفع آن، صورت مسئله را پاک و با رسانه و معلم رفتار قهری می‌کند. گرچه این امید می‌رود که با تغییر وزیر این وزارتخانه علاوه بر توجه بیشتر به آسیب‌های موجود بین دانش‌آموزان دست از رفتار قهرآمیز با رسانه‌ها و دلسوزان بردارند و کمک و همراهی رسانه‌ها را با سعه صدر بپذیرند.